

فهرست جلد ثانی از

کتاب جامع بنام

صفحه	فهرست فهرست دوم از کتاب جابر بنام
۲	آغاز و قرآنی جابر بنام
۴	سبب بعثت انبیا و منفعت قبول احکام آن مهتدیان مسلک هدی علیه السلام
۷	طلب امداد و معاونت در نخستام کلام از حضرت حجتی لاینام و دعای پادشاه انجمن شام
۵	سبب انعطاف عثمان کیت خامد در میدان انمام و نخستام دوم دفتر جابر بنام
۱۰	آغاز داستان و ذکر وفات علی و یردی خان مخاطب بمهاجرت پنجم بنگال و جلوس سراج الدوله دستد شدن اسباب انندام دولت خدی بن ساله
۱۳	نامه نوشتن نواب سراج الدوله بمیتر در یک صاحب کوفی کلکت - طلب راجه کشن قلب و لدر راجه قلب و اخراج نمودن میتر در یک فرستاده سراج الدوله را
۱۵	آگاه نمودن میتر در یک میتر و اشش کوفی دار قاسما بازار را از کار فرستاده و نامه نوشتن میتر و اشش بمرج الدوله
۱۷	تهید در میاشدن اسباب مجادل میان سراج الدوله و میتر در یک بسبب تعمیر و مرمت قلعه کلکت و نامه نوشتن نواب سراج الدوله بمیتر در یک
۱۹	پاسخ نوشتن میتر در یک بنواب سراج الدوله و اظهار نمودن

سبب تعمیر قلعه کلکتہ و گم کردن او طریق خرم و جاذبه صواب شکر کشیدن متبخر قلعه فاسما بازار	۲۱
روانہ شدن شکر از مقصود آباد و طمخ شدن سراج الدوله و گز صقن فاسما بازار	۲۲
روانہ شدن سراج الدوله با ستر در او قلعه کلکتہ و نقد داد عساکر ستر در یک	۲۳
محاربه نمودن سراج الدوله با ستر در یک و مغلوب شدن ستر در یک	۲۴
روانہ ساختن انگریزان ناموس خود را بر شتی و وقوع مجاوله روز دوم و گز نختن ستر در یک با بعضی از مہتران سپاہ و مقرر شدن ستر بلول بجای او	۲۵
حمل نمودن شکر نواب سراج الدوله روز سیم و تباہ شدن جمیع سپاہ در کلکتہ	۲۶
مستخر شدن قلعه کلکتہ و دخول سراج الدوله و طلب فرمودن او ستر بلول را و مسکالہ کردن با او از روی غضب و طلب داشتن خزان و مخص نمون از پیش خود	۲۷
مجبوس شدن بلول با سیران سپاہ و شرح تعب آن تیرہ روز آن در آن شب سپاہ	۲۸
استغفار فرمودن سراج الدوله از بلول و آوردن او بجنور و مقیمہ نمودن فرستادن او را باد و انگریز دیگر مقصود آباد و غارت	۲۹

صفحه	موضوع
	شدن کلکتہ و مراجعت سراج الدولہ بمقر خود
۴۲	آگاہی یافتن جماعت انگریزیہ در مدرس از سانچہ ہایل کلکتہ و روانہ نمودن شکر سپہ سالاری کرنل کلیف و آڈمرل و آشن باستر و اکلکتہ از سراج الدولہ
۴۴	نامہ نوشتن کرنل کلیف و آڈمرل و آشن سراج الدولہ و مرستادن پیشین بانگچند بکلکتہ و جواب نوشتن بانگچند
۴۶	روانہ شدن کرنل کلیف متوجہ قلعہ موسوم بہ بڑ بڑ بمبتابلہ آدن بانگچند و پرستش او پریشان و نرشد
۴۹	بصرف در آدن قلعہ بڑ بڑ با سہل و جودہ روانہ شدن شکر ظفر پکر و سفاین کوہ شکر بہت کلکتہ و اختصاص یافتن نفع و فیروزی
۵۱	منسوب شدن میسٹر دریک با سایر عمال بمناصب سابقہ خود و کلکتہ و شکر مرستادن بمیدر ہو گلی و تصرف در آوردن
۵۳	روانہ شدن نواب سراج الدولہ بعزم محاربتہ انگریزیہ و نامہ نوشتن کرنل کلیف بطلب مصالحہ و قبول نمودن نواب از روی مخادعہ و قوع قلیل مجادلہ بیوم وصول او بحوالہ کلکتہ
۵۴	طلب فرمودن نواب سراج الدولہ از کرنل کلیف دو کس از انگریزان بکچہ جواب و سہوال بمکیدت و استیصال در قتن میسٹر و آشن و میسٹر اشکر افتن بمعبر نواب و اطلاع یافتن ایشان از تروریہ مافی الضمیر و گرتن از شکر گاہ او

صفحه	<p>پروان آمدن کرنل کلیف بمقاتله در سیدن سپاه نواب بمقابله          و پوستن پکار و جنگ و انجام یافتن سنگام نام و تنگ          مضطر شدن نواب از دلیری لشکر فرنگ</p>
۶۳	<p>مصالحه خواستن سراج الدوله از کرنل کلیف و وقوع صلح          مشروط ببعض شروط</p>
۶۶	<p>اشتغال نایره منازعت میان انگریز و فرانسیس در یورپ          و تصرف آوردن انگریزان کلکتہ بنده چند انگر محل کوتی فرانسین          بعد استیذان و استرخاص از سراج الدوله</p>
۶۸	<p>در چاه انداختن کوتی دار قاسما بازار موسوم بلانواب سراج الدوله          را بر سیمان اخبار کا ذبه و منقطع شدن جبل المتین عمود          و مواشیق او با طایفه انگریز</p>
۷۱	<p>رضت خواستن کرنل کلیف از نواب سراج الدوله بخره قبض          نمودن کوتی قاسما بازار بالای کوتی دار و جواب ادن نواب          از روی عیش و غضب و پدید آمدن انواع رنج و محنت و تعب</p>
۷۴	<p>تفاق و زریدن میر جعفر خان با نواب سراج الدوله و سخام          اتفاق نمودن با انگریزان در قلع و قمع بنیاد دولت او و استحکام          اساس جلوس خود بر ریاست بنگال</p>
۷۸	<p>تلقین نمودن میر جعفر خان انگریزان با بایسکه با نواب سراج الدوله          سخن مسلح در میان داشته تا طمع شدن او با منافقان دیگر با          لشکر انگریزیه نواب را از جانب خود بطایفه الحیل علیه</p>

صفحه	دارند و نامه نوشتن میسترواشن کرنل کلیم و آگاه کردن از ماجرای میرجعفر و رفتن کرنل بگلک و پذیرفتن انگریزان سخن میر جعفر و پراگنده ساختن سپاه خود بجهت تسلط و اطمینان خاطر نواب و مطمئن شدن نواب از طرف انگریزان و دست دادن میر جعفر را بامداد اول ربیع الثانی
۸۱	رسیدن جواب انگریزی بمیرجعفرخان و اطلاع یافتن امیرچند بحقیقت حال و کیفیت مطارحت او بامیسترواشن و مطالبت بعضی از اموال
۸۴	مقرر نمودن انگریزان بمیرجعفرخان عوض نقصان که حسین شیخ و تاریخ در گلک از نواب سراج الدوله واقع شده بود
۸۶	مشورت کردن انگریزان در کار امیرچند و محروم ساختن او را از خواستش و فسخ نمودن با او
۸۸	نامه نوشتن بالاجی را او مرثیه بکرنل کلیم و متشکی شدن کرنل که آیا بالاجی را او نوشته یا نواب سراج الدوله لذرا او کرده و فسخ بنام او ارسال داشته
۸۹	رفتن میسترواشن بفرات نزد سراج الدوله بانامه و چپام و مراجعت او مقصی المرام
۹۱	فهر نمودن میرجعفرخان عهد نامه را با تعیل بعضی شرایط دیگر و تفویض ساختن بانگریزان
۹۵	شرح و تفسیر انگریزان که بخواهد او را اعانت میرمحمدجعفرخان نوشته اند

۹۸	روانه ساختن کرنل کلیم شکر رزم و پیکار بطرف مرشد آباد از چند انگرو نامه نوشتن ابو نواب سراج الدوله ببر کلیم آتش همجا و کارزار
۱۰۲	اراده مجادله نمودن نواب سراج الدوله با میر محمد جعفر خان و آگاهی یافتن از فرار سرتویش از قاسم بازار و متحیر شدن از گردش روزگار کج مدار و معذرت و مصالحت خواستن از میر محمد جعفر خان و پاسخ دادن آن بمجادله همسیران
۱۰۵	رسیدن کرنل کلیم بموضع پاتلی و مسخر نمودن وی موسوم بکثوه و وصول مکاتیب میر محمد جعفر خان علی التواتر و روانه شدن کرنل بطرف پلاسی
۱۰۸	مقاتله نمودن نواب سراج الدوله با کرنل کلیم و مقتول شدن پیرین سرشکرا و
۱۱۱	مستولی شدن بر اسس نیپاس بر نواب سراج الدوله و استعانت جستن از میر محمد جعفر خان در پهلوتی کردن آن و مرشد منافقان در برشتن نواب از میدان جنگ تلبقین دلب رام بی نام و تنگ و حمل نمودن کرنل کلیم با اشاره میر محمد جعفر خان باستیصال و زبون نمودن حریف
۱۱۵	گرفتن نواب سراج الدوله بر شد آباد و گریز آمدن ستورا خانه و مخزنات خزانده از آنجا
۱۱۶	تعداد مقتولین انگریزی سپاه در آوردگاه و ملاقات کردن

صفحه	میر محمد جعفر خان با کرنل کلیف در روانه شدن و رسیدن او بر شد آباد و گرنجین نواب سراج الدوله و گرفتار شدن زنانه و جنزانه او بدست مردم میر محمد جعفر خان
۱۲۱	رفتن کرنل کلیف بر شد آباد و مجلس میر محمد جعفر خان بریاست بنگال و بهار و اودیسه
۱۲۳	رفتن میر محمد جعفر خان و کرنل کلیف با بعضی بزرگان بکنانه تنگت سیت بجهت تقریر ادای وجوه معهوده متقبل بانگریزید و مال حال انیسچند
۱۲۶	گرفتار شدن نواب سراج الدوله بدست نوکران بی اطمین و مجلس شدن او
۱۲۹	مشاورت نمودن میر محمد جعفر خان با همدمان در باب حبس و قتل نواب سراج الدوله و پدید آمدن ترودید آرا و مقتول شدن انظلم با شماره میرن از خدمت محروم
۱۳۳	روانه کردن کرنل کلیف میجر کویت را بتعاقب میستر لایس فرانسویس که با عانت و امداد نواب سراج الدوله می آمد و از عرض راه سبب اختتام کار نواب مسطور مراجعت نموده بود در رسیدن میجر کویت بشهر نیش و مخاطب ساختن اجدرام ناراین را
۱۳۶	مسکالده کردن میجر کویت با میر محمد قاسم خان و محمد امین خان در باب اجدرام ناراین و آنگاه ساختن ایشان میجر کویت را از خدمت باطن و نامه نوشتن او بوزیر الممالک نواب شجاع الدوله و کتبه او



صفحه	توضیحات
۱۳۹	خواستن بلیشکر و قطع و قطع میر محمد جعفر خان و اراده نمودن میجر کوشت رفتن بسیر حد نواب شجاع الدوله بعزم زبان گیری روان شدن میجر کوشت بطرف مملکت اوده و بشهر خمپه رسیده مراجعت کردن
۱۴۲	مضطرب شدن راجه رام ناراین از ورود میجر کوشت و قسم خوردن در مصافقت انگریزیه و میر محمد جعفر خان گنبد یاد نمودن میر محمد قاسم خان و محمد امین خان در عدم تعارض و موافقت با راجه رام ناراین
۱۴۴	وفات یافتن از مژل و آشن در روان گشتن سکه خانه بر بند کلکته
۱۴۵	طلب فرمودن میر محمد جعفر خان راجه رام سنگ را بجنود و فرستادن او بر اوج و برادرزاده خود را و مقید شدن به و نامه نوشتن رام سنگ بکرنل کلیف یعنی وزیرین راجه اجل سنگ و حمل نمودن نواب سرکشی هر دو راجه باشا زره و لیک
۱۴۸	رفتن میر جعفر خان از مرشد آباد بر اجمل و فرستادن خود با دی را بسرام سنگ
۱۵۰	پرون آمدن میرن از مرشد آباد با ستیاع نهضت کرنل کلیف بهمانه رفتن بملاقات پدر و لاجتی شدن تشویش با بل مرشد آباد و حسب الامر قام کرنل موقوف ماندن از اراده فاسده

صفحه ۱۵۴	فرستادن نواب خادم حسن خان راجپوت اهل سنگ و حاضر علیخان و شکست دادن و منصوب شدن بکومت پورینه
۱۵۵	تأثیر ساعت سعد رتن بان برهن که بجهت خود دیده پیش خادم حسن خان فرستاده بود
۱۵۶	ارتعاع غیب رعداوت و نثار فیما بین نواب میرجعفرخان و دلب رام
۱۵۸	آگاهی یافتن میرجعفرخان از نامه نوشتن زن نواب مهاجنگ بده مادری نواب سراج الدوله بوزیرالملک نواب شجاع الدوله در اجه رام ناراین و اعلام نمودن میر جعفر کرنل کلیم را دستلی ساختن کرنل اورا و مقتول شدن میرزا مهدی برادر نواب سراج الدوله پست پور
۱۶۲	آمدن کرنل کلیم از کلکتہ بر اجماع و آشتی دادن میرجعفر خان و دلب رام را بتجدید از جنگ و جدل و نامه نوشتن بر رام ناراین مشعر باطاعت میرجعفر
۱۶۴	روان شدن میرجعفرخان با کرنل کلیم بسمت پتینه و استقبالی نمودن راجه رام ناراین باطاعت و انقیاد و اراده نمودن جعفرخان عزل اورا باستمال بعض حج از کینه و عناد و ممنوع گشتن باقیام کرنل شکوناد
۱۶۸	تمهید معذرت در آنکه هرگاه آینه در بعضی قلیج بنگالہ بی ناقص منظور ناظرین گردد و تصور از غلبه مدیم الغم و الشعورند اند

صفحه ۱۷۰	آمدن کرنل کلیف از مرشد آباد بجلکت و ورود هم از از انگلند و گزارش آن
۱۷۲	هجوم آوردن سپاه بدرگاه نواب بکجه حصول تنخواه و جاری نگشتن احکام آن افلاس دستگاه
۱۷۳	افزایش تذخوی میرجعفر خان و اندیشیدن رفع تسلط نگرز در پنهان
۱۷۵	گفتار در آغاز کار نند کار قدار و اقتدار یافتن او بسبب دلب نام و بی وفا شدن آن بدعاقت انجام دلب نام
۱۷۸	حد بردن نند کار بر جابه و اقتدار دلب نام در رسانیدن او را از نواب
۱۸۱	دلالت نمودن نند کار نواب و میرن را بتاخیر و تعویق انداختن در ادای زرا نگرزبان
۱۸۱	پردن فتن میرجعفر خان از مرشد آباد و هجوم نمودن میر بسر دلب نام بقاصضای تنخواه سپاه باراده دستگیر کردن او
۱۸۴	اتفاق کردن خواججه عبدالهادی خان با بعضی سرداران برقتل نواب آشکارا گشتن آن و برساختن نواب بکتوبی جعلی بنام دلب نام و گشتن عبدالهادی خان را
۱۸۶	مختصری از احوال شاهزاده عالی گوهر بن عالمگیر ثانی بنابر اشطام گفتار بنجال
۱۸۸	غش شدن خبر حنتلال ریاست میرجعفر خان در اطراف

صفحه	داراده نمودن محمد قلیخان صوبه ارآله اباد با تراض ملک شگال واقف شاق دوراچه با او
۱۹۱	مشاورت و معاونت طلبیدن محمد قلیخان از وزیرالامان نواب شجاع الدوله و ترغیب و تحریص نمودن او محمد قلیخان را بمباریه بستن ویر و مخاوه
۱۹۳	مقرر نمودن شجاع الدوله و محمد قلیخان شاهزاده عالی گوهر را بسرداری لشکر و طلبیدن او را از میدان پوره و روانه شدن با محمد قلیخان و رسیدن برود گرم ناره
۱۹۶	مضطرب گشتن میرجعفرخان بورد و شاهزاده بسره بهار و طبعی شدن او بانگریزان
۱۹۹	استعانت جستن میرجعفرخان از انگریزان و بزودی بسته گشتن آن بسبب نبودن سپاه ایشان در کلکته و محروم ماندن شاهزاده از تسخیر از خامی معاونان با نخته کار
۲۰۱	مضطرب شدن راجه رام ناراین و شورت کردن با بیستر امیت کوتیدار شنده در کار خود و متروک گشتن بعد استماع پاسخ و طلبیدن مدد از میرجعفرخان از مکر و دوستان و سازش او باشاهزاده منجی و پنهان
۲۰۴	رفتن رام ناراین بملازمت شاهزاده و بعد مراجعت بغی و رسیدن
۲۰۷	استعانت خواستن شاهزاده از کرنل کلیف و قبول نمودن و آماده شدن بمباریه با او

۲۰۹	روان شدن لشکر از کلکته و مرشد آباد بطرف پشته و اشکارا شدن خدمت مهیت اورام ناراین بر شاهزاده و اراده محاربه کردن بارام ناراین
۲۱۲	محاصره نمودن شاهزاده حصار پشته را و شکستن یک برج در بنجین محمد قلینجان از شاهزاده و روان شدن بطرف آله آباد و و باز آوردن شاهزاده او را
۲۱۳	جنگ دویم شاهزاده و متزلزل شدن ارکان ثبات رام ناراین و قریب شدن فتح قلع و مضطرب گردیدن محمد قلینجان از قریب وصول میرن تصرف کردن شجاع الدوله قلع آله آباد را و رفتن محمد قلینجان با آله آباد و مجبوس و معقول شدن
۲۱۶	رسیدن کرنل کلیف و میرن به پشته و تشریف آون امور انجا و برگشتن
۲۱۹	خطاب و جاگیر دادن میرجعف خان کرنل کلیف و رفتن کرنل بانگلند
۲۲۳	اتفاق نمودن زمین اران بنگاله بمعاونت شاهزاده و پیشرو شدن خادم حسن خان و روان شدن لشکر از کلکته و مرشد آباد بمحاربه او
۲۲۵	بقتل آوردن عماد الملک عالمگیر ثانی پادشاه دلی را و مجبوس نمودن شاهزاده عالی گوهر در نواحی پشته و مخاطب شدن بشاه عالم
۲۲۹	پیغام فرستادن کرنل کلیف بدخادم حسن خان باطاعت میرجعف خان

صفحه	موضوع
۲۳۱	مخاربه نمودن شاه عالم با رام نار این و رنجی نمودن او و خواندن کیتان کاکرن با بعا و نت خود
۲۳۲	کشته شدن کیتان کاکرن و بعضی انگریزان و گرنجین رام نار این و در اکثر فلورتن و اظهار اطاعت کردن بشاه عالم بکروخت
۲۳۹	رسیدن کرنل کلیاد و میرن به پشته و جنگیدن شاه عالم با میرن شکست یافتن میرن و گرنجین او بار اول
۲۴۲	باز خواندن کرنل کلیاد و میرن شیرا و زن را از بریت جنگیدن با شاه عالم و فیروزی یافتن او و گرنجین شاه عالم
۲۴۴	رفتن پادشاه بخرم تسخیر مرشد آباد و تعاقب نمودن کرنل کلیاد و میرن
۲۴۶	آگاه شدن میرجعفر از خرم پادشاه بطرف مرشد آباد و مد طلبیدن از انگریزی و طعنی نمودن کرنل کلیاد و میرن با او و مقابل گشتن با پادشاه و گرنجین پادشاه
۲۴۹	معاودت نمودن پادشاه بپشته و آمدن میستر لامبعا و نت او و مضطرب شدن اهل پشته بسبب قرب هجوم هر دو و سلم ماندن پشته
۲۵۲	آشکارا ساختن خادم حسن خان بنی بامیر جعفر خان در روانه شدن بطرف پادشاه و محاصره کردن پادشاه و میستر لامبعا و نت را شکست یافتن

۲۵۵	روان شدن کپستان نکس از مرشد آباد و رسیدن او به پشته
۲۵۷	حمله بردن کپستان نکس به پگاه بر پادشاه و گریختن پادشاه ببرزنگاری
۲۵۹	رسیدن خادم حسن خان نزدیک پشته و فرود آمدن بکنار رود گنگا و نامه نوشتن کرنل کلیا و کپستان نکس
۲۶۲	گزارش سپاه دلیری پناه ار استه دستگاه رام نار این در روان شدن کپستان نکس و شتاب برای جنگ خادم حسن خان
۲۶۴	رفتن کپستان نکس و شتاب برای بعزم شیخون و گریختن بسبب راه مغلط کردن شیخون و آمدن خادم حسن خان بقصد محاربه با شکر فراوان
۲۶۶	جنگیدن کپستان نکس و شتاب برای با خادم حسن خان و فروری یافتن بر آن سپاه گران
۲۷۱	رسیدن کرنل کلیا و میرن به پشته و رفتن بتعاقب خادم حسن خان در عین شدت باران و رسیدن بدو و گریختن او
۲۷۳	رفتن کرنل کلیا و میرن دفعه ثانیه بتعاقب خادم حسن خان و اشادن صاعقه بر میرن بفرمان خالق زمین و آسمان و مرصحت کردن کرنل به پشته
۳۷۸	در بیان احوال سراپا اختلال مناسی و ملاهی اشغال میرجعفر خان و اشغال نایره هجوم سپاه طلب زرتخواه و منظمی ساختن میر قاسم خان دامادش اشغال جانکاه

صفحه ۲۸۲	نصب نمودن کرنل کلیف وقت رفتن بولایت میستر نیشتارث را بامارت کوچی کلکتہ و تمام امور بنگالہ و تا وصول او از درس بکلکتہ قائم مقام بودن میستر نول و مصلحت نمودن میستر نول در باب عزل میرجعفر خان از نظامت و تقرر یافتن میر قاسم خان بجای او
۲۸۵	رسیدن شمس الدولہ میستر ہنری نیشتارث بکلکتہ و ارادہ نمودن نصب میر قاسم خان بنظامت بنگالہ و عزل میرجعفر خان
۲۸۸	پان محمودی کہ فیما بین انگریزیہ و میسر قاسم خان نوشته شد
۲۹۲	رفتن شمس الدولہ ہنری نیشتارث بر شد آباد و مسکا لہ باجعفر خان در باب تفویض نیابت خود بمیر قاسم خان و ابا کردن او
۲۹۵	عزل کردن انگریزیہ میرجعفر خان را از ایالت و دارائی بنگالہ
۲۹۸	جلوس میر قاسم خان بایالت ہرستہ صوبہ بنگالہ باصالت و خوشنود کردن عساکر را با عطای شہرہ و ایصال قدری زر بانیگریزیہ
۳۰۰	رفتن میجر کرناٹک بجنگ شاہ عالم و شکست دادن و گریز ازین اورا
۳۰۴	زہناری شدن میستر لای فرانسس بعد ہزیت بادشاہ از رزمگاہ و پان جنس سلوک انگریزان با آن دشمن کیسہ خوا
۳۰۸	فرستادن میجر کرناٹک شتا برای را بنزد پادشاہ بطل بنگالہ



صفحه	مراجعت اوبی نیل مقصود
۳۱۱	راضی شدن پادشاه بمصالحی و طلبیدن رای شتابرای راپش خود و استحکام یافتن مسلمانان صلح و رفتن میجر کز نایک بجنور و رفتن شاه به پشته
۳۱۴	آمدن میر قاسم خان به پشته و ابا نمودن از رفتن بجنور شاه در شکرگاه و آمدن پادشاه حسب الصلاح میجر کز نایک نیکخواه در پشته
۳۱۶	آمدن میر قاسم خان بجنور پادشاه و خلعت ایالت بهر تیره صوبه یافتن و مقرر شدن مال گذاری
۳۱۷	رفتن پادشاه بطلب وزیر الممالک نواب شجاع الدوله بعباد و افاغنه از پشته بطرف دلی
۳۲۰	گزارش خواستند و رفتن میر قاسم خان و سلوک رام نار این بطریق خدعه و مکر باناظمین سابق و میر قاسم خان
۳۲۳	متفق بودن شمس الدوله بمتری و توشی ثارت در استیصال رام نار این با میر قاسم خان و اتفاق کرنل کوت و میجر کز نایک در استقلال رام نار این و نامه نوشتن شمس الدوله
۳۲۵	نامه نوشتن میر قاسم خان و استیذان طلبیدن از شمس الدوله در باب محاسبه خواستن از رام نار این در مری شدن شمس الدوله
۳۲۸	مستط شدن پیر قاسم خان بر رام نار این و غنوبانش

صفحه	مقید و مصادرت نمودن با انواع مزاحمت
۳۳۰	اقدار یافتن امیر قاسم خان بر مقتدران و سرکوشان بنگاله و مقید گردانیدن امور شکر در ریاست دستبرد شدن مواد عینا و با انگریزیه
۳۳۳	نمونه نوشتن بعضی انگریزی مستمل بر سخنان ناممور ارباب کهنی بانگله و پاسخ رسیدن بعزل آنها و امتنانا نمودن پاسخ و نصب کردن میستر ایس نامی بسالاری کوتی پشته و شرح بد سلوکهای او با عمل قاسم خان
۳۳۵	مقید نمودن میستر ایس کی از کار پردازان امیر قاسم خان و فرستادن بجلکت
۳۳۶	شنیدن میستر ایس انکه قلعو دار شهر موونگیر و غنچه مسافرا مقید نموده و شکر فرستادن بجهت استخراص آنها
۳۳۹	نامه نوشتن امیر قاسم خان بسپهسالار و شکایت کردن از بد سلوکهای میستر ایس و انفصال یافتن قضیه او با قلعو دار موونگیر
۳۴۱	پان بی انتظان امی راهدار خانه های مملکت بنگاله و بخشیدن ناظران سابق بنگاله راهداری مال خاصه پنهانگریزان و خواهش کردن کار پردازان کهنی معافی مال مختصه خود و پذیرا نیافتن
۳۴۳	ذلیل و خوارداشتن کار گزاران کهنی عمال امیر قاسم خان را در ایست ظلم و تعدی بر افرایشتن و گذرانیدن اموال خالصه خود

صفحه	بدون داوین راهدریس
۳۴۳	نامه نوشتن میر قاسم خان بگلکده در شکایت بر رضای کار پر دازان کهنی در بلاد بنگال و نیز نامه فرستادن میستر هستینگر مطابق مرقومه میر قاسم خان
۳۴۸	منع کردن شمس الدوله گکاشته گران کهنی راجا بجا از دست اندا ز بیای پچا و حکم داوین بجه او از راهداری از مال خالص خود و آدم نشان دادن معاونت راجا از ان از طرف شمس الدوله از دیاد نایره ظلم و تعدی در تمام ملک بنگال
۳۵۰	زبان کشیدن آتش ظلم انگریزیه با سواران و پهلوانان قاسم خان از انگریزان
۳۵۴	رفتن شمس الدوله میتر و نیشارت و میتر هسته تیکس اهنم ملاقات و تجدید عهد و پیمان میان انگریزیه با میر قاسم خان
۳۵۷	قبول نمودن میر قاسم خان تجدید عهد بجه تجارت زکران کهنی حسب الخواش شمس الدوله مشروط بانکه در یکجا فی صدر روپه نه روپه عشور مال کهنی
۳۶۱	مخالفت کردن شاوران کونسل با شمس الدوله در باب عهد نامه جدید و فرمان فرستادن میر قاسم خان بجمال خود و خصوص حصول عشور و بریاشدن مواد شر و شور
۳۶۴	مقرر نمودن اسباب کونسل داوین شور و نکت فی صدر روپه روپه و نیم میر قاسم خان بطریق بخشش و انعام دینی دخل

صفحہ	ساختن عمال اور از انصاف و انفضال قصایا و دعاوی کہ فیما بین انگریزیتہ و رعایای او واقع شود .
۳۶۸	رفتن میر قاسم خان بستیخ مرز قیال بامید زر و مال و آغاز ہبوط نیز اقبال از اوج عزت و اجلال و مراجعت کردن بی نیل امانی و آمال
۳۷۱	اگاہی یافتن میر قاسم خان از مقید شدن عمال او بدست انگریزان و نامہ نوشتن بکونسل کلکتہ و معاف کردن زر راہداری از جمیع رعایا
۳۷۵	فرستادن کونسلہا میتر آیت و میتر ہی را بانامہ متضمن متمتہات خود و تار رسیدن ایشان نزد یکت میر قاسم خان عیاکشتن اسباب محاربه و طبعی شدن میر قاسم خان با پادشا و نواب شجاع الدولہ
۳۷۸	روانہ شدن کشتی مملو از توپ و تفنگ از کلکتہ بفرم رفتن در رسیدن ببونگیر و محجر کردن میر قاسم خان و وصول ب فرستادگان بونگیر و مکالمہ نمودن میر قاسم خان با ایشان
۳۸۱	اگاہی یافتن کونسلہ از محجر بودن کشتی بونگیر و باز طلبیدن فرستادگان از آپش میر قاسم خان بکلکتہ و پاسخ نوشتن فرستادگان
۳۸۳	دستوری خواستن میتر الیس از کونسل کلکتہ در باب جنگیدن و تصرف در آوردن چٹنہ و اجازت دادن کونسل او را

صفحه ۳۸۱	مخص نمودن میر قاسم خان بی انصرام مرادمیستراست را براجعت کلکتہ و نگاهداشتن میستر ہی را بعوض جمال خود که در قید انگریزان بودند و جنگیدن میستراستراستراستراستراستراست در آوردن آن
۳۹۰	آمدن لشکر از مونگیر بجاونت پٹنه و مراجعت در بان ازین راه بمرافقت آسپاه جنگیدن و گرنجین انگریزیه و سپاه بردن بکوتی خود و منهنم گشتن از آنجا نیز
۳۹۲	فرمان و دست دادن میر قاسم خان بکار پردازان خود بکس و قید انگریزان و برگرداندن میستراستراستراستراستراست شدن است باهمرا بان
۳۹۴	گرفار شدن میستراستراستراستراست با انگریزان همراه بدست سپاه میر قاسم خان کپسینه خواہ
۳۹۶	آگاہی رسیدن بکلکتہ اگر شسته شدن میستراستراستراستراست گرفار میستراستراستراست با اغلب سپاه و نامه نوشتن بمرشد الدوله بستید محمد خان عامل مرشد لباد بتهدید تمام و مقرر شدن مخاربه با میر قاسم خان و منصوب شدن میر جعفر خان مجدد ابراست بنگالہ
۴۰۰	منصوب شدن میر جعفر خان بریاست بنگالہ و فوج تازیہ بجاونت انگریزیه و بیان معاہدہ جدیدہ کہ کار پردازان کپنی نوشتہ دادند

صفحه	مملکت شجاع الدوله
۴۶۲	آمدن میر قاسم خان بآباد و استقبال کردن نواب شجاع الدوله و آوردن او را بجنوب پادشاه و باز دید کردن او نواب شجاع الدوله را
۴۶۳	رفتن میر قاسم خان بمیدیل کند و مطیع نمودن بکرشان آنجا و برآوردن در رفتن پادشاه و شجاع الدوله و میر قاسم خان بمبارس
۴۶۷	عدو شاتوب در شکر انگریزان و رفتن و پیوستن بعضی از آنها بنواب شجاع الدوله و ورود میجر کرنایک در لشکر و مشورت کردن او با سران سپاه در باب رفتن بمجاریه دستور شاه و پاسخ دادن ایشان
۴۷۰	روان شدن پادشاه مخاطب شاه عالم و نواب شجاع الدوله و میر قاسم خان جنگ انگریزان و رفتن انگریزان از کبیر به پیشینه
۴۷۳	رسیدن پادشاه و وزیر و میر قاسم خان به پیشینه و قیاس شدن از بهر جنگ
۴۷۶	جنگ کردن نواب شجاع الدوله با انگریزان و شکست یافتن
۴۸۲	برگشتن پادشاه و شجاع الدوله و میر قاسم خان از پیشینه و رفتن به کبیر
۴۸۳	مضطر شدن میر قاسم خان از ادای شاه به متقبل پادشاه لکت روپی و تفکر استخلاص خود افتاده به پیام و رستگاری

۴۵۸ سفند ساقتن بجایش آوردت و اراده کردن برین قاسم خان بطبعی شدن بنواب شجاع الدوله و منع کردن کفایت خان و رفتن او از شجاع الدوله

صفحه	بشجاع الدوله برای رفتن بسبت مرشد آباد و ابا و مسکالمه کردن بشجاع الدوله با آدم میر قاسم خان
۴۸۷	پوفاشی کردن میر سلیمان بی ایمان و سروی ابیرمن خوی با میر قاسم خان و متوسل شدن بنواب بشجاع الدوله
۴۸۹	مقتید نمودن بشجاع الدوله میر قاسم خان را در رفتن او و متعلقانش
۴۹۱	گذشتن میر جعفر خان از جهان گذران بسرای سزای حضرت یزدان
۴۹۳	رفتن میجر منزه از بند منسبی بجای میجر کرنا یک به پشته و سرکشی کردن لشکر سابق پشته در رفتن بطرف نواب بشجاع الدوله و گرفتن و سزادادن میجر منزه و ایشانرا
۴۹۷	روان شدن میجر منزه بجنگ نواب بشجاع الدوله در سیدنا قریب بجزا
۵۰۰	مقاتله کردن نواب بشجاع الدوله با میجر منزه و ظاهر نمودن غلبه خود در مرتبه اول
۵۰۳	شکر فرستادن میجر منزه بجنگ راجه پتی بهادر شکست دادن و گریزانیدن لشکر راجه بهادر را
۵۰۶	عایل شدن بشجاع قلیخان جاہل بنا بر جد راجه پتی و توقع از وی عزت میان لشکر انگریز و سپاه سمرود و موشیر مدک شکست خوردن و کشته شدن و انہرام اغلب لشکر بشجاع الدوله بسبب

صفحه	شکست او
۵۰۸	مغلوب شدن نواب شجاع الدوله در فتن بطرف ملکه آباد
۵۱۱	پان مجملی از احوال کثیر الاختلال میر قاسم خان و نجات یافتن او از قید حبس از دام نواب شجاع الدوله مانند صید
۵۱۳	رفتن نواب شجاع الدوله باله آباد و گذشتن راجه پتی بهادر را برای بردن پادشاه و سازشش کردن با انگریزان
۵۱۴	شفق شدن پادشاه مخاطب بشاه عالم با انگریزان و طلبیدن بجنور و خواندن انگریزیه راجه پتی بهادر را بجهت استحکام مباحث مصالحت مشروط بانکه میر قاسم خان و سمور را تقویض ایشان نماید و مطلع شدن میر قاسم خان و گرنختن و رفتن در افغانان معروف برهوسید
۵۱۸	رفتن نواب شجاع الدوله در مرزا فاخته نزد احمد خان بنگر طلب اعانت و وعده دادن او ببعاونت و طلبیدن دستوار ملهاریلو همیشه را بامداد و آمدن او با استعداد و غدر و زیدین احمد خان و غیره سرداران افغان
۵۲۱	فرستادن جنرل کرنایک سپاه بامیجری بتسخر قلع چناره و کشته شدن میجر و شکست یافتن لشکر روانه شدن جنرل بعزم رزم دستور شاه و مستخر ساختن حصار آله آباد و اشای سلم
۵۲۵	جنگ کردن نواب شجاع الدوله و مله سار را و هزمت با جنرل کرنایک و گرنختن مله سار را و رفتن نواب نزد احمد خان

باله آباد و مرزا زردون پادشاه



صفحه	بنگش و دیگر افغان بار دیگر بامید امداد و استتاره نبودن و مقرر شدن بانکه نواب جریده و تفتان نزد انگریزیه رفتہ مبانی مصالحت حکم نماید و متعل شدن قلعہ پشاور بانگریزان
۵۲۹	رفتن شکر انگریزی بلکنو و منصوب شدن حکام و عمال در صوبہ اودہ و بنارس از جانب انگریزیہ تجویز شدت برای و نگرانی راجہ بلوند سنگ و دعای بعضی از نوکران شجاع الدولہ
۵۳۱	رفتن نواب شجاع الدولہ بملاقات انگریزیہ و منتهی شدن مخاصمت مصالحت
۵۳۲	جلوس نجم الدولہ بر وسادہ ایالت تہ صوبہ بنگالہ و ورود کرنل کلیف از انگلند بجلکتہ با خطاب لاری و مختاری در بسنج امور
۵۳۴	تمہید در سپان مصالحت نواب شجاع الدولہ با پسنی انگریز بہادر و نواب نجم الدولہ
۵۳۶	پان عمود و مواثیق کہ فیما بین نواب شجاع الدولہ و نجم الدولہ و پسنی انگریز بہادر مسطور گردیدہ
۵۴۲	مقرر شدن خراج تہ صوبہ بنگالہ بر نجم الدولہ بضمائم کپسنی بختہ شاہ عالم و معین گشتن سالیانہ بکجف خان بر شاہ عالم بضمائم کپسنی
۵۴۵	آغاز داستان رفتن انگریزان بجلکت قلعہ پرتپور و سپان انکہ

سفر	وقوع خیر و شر و نفع و ضرر متعلق به شیت حضرت الهی است نه گردش افلاک و اجسام را در آن چنانست یاری این قوت و قدرت مردم را اعتساری
۵۴۸	رفتن جرنل لک بعد فتح قلعه دیگر بعزم متخیر حصار پرتیور و ملحق شدن جرنل ژادشول با او و ذکر مجمل از تانانت و حصانت حصن پرتیور
۵۵۰	ساختن انگریزان سا باط و سرکوب و زدن چهاره و توپ جهان آشوب و آگاهی یافتن از تفرق جو اس امل حصار و سست شدن بجله بردن
۵۵۳	سه دست نمودن جرنل لک لشکر خود را بعزم حمله بر قلعه و سپردن هر دست به یکی از سرداران
۵۵۵	روان شدن لشکر انگریزی بعزم حمله و خونریزی بر قلعه و رسیدن بعضی از ایشان بخندق حصار بعد رحمت و مشقت بسیار
۵۵۷	پایان خندق کشیدن ای پرتیور نزدیک دروازه حصار و حمله بردن میجر بانکس و کرنل رین و برگشتن بعد حملات متواتره تشرین حرمان و خسار
۵۶۰	سرکوب بستن انگریزان بطرف دیگر از حصار و افزون شدن آتش کارزار و نمی شدن سپر قلعه دار و کشته شدن برادرش
۵۶۳	آمدن جرنل اشیت و اسمعیل بیگت نامی بدو جرنل لک و بیان بعضی حالات فاسده و خیالات کاسده رای پرتیور

صفحه	وطلب رسیدن او میرخان ابعاد و نت خود
۵۶۶	گفتار اندر باری داشتند انگریزان تو پناه استخبار سیوه حصار و بیرون نیامدن لشکر قلعه در از بسیم پیکار با قطار حمله بردن دشمنان دوم بار و استیصال کردن انگریزان از رفتن از خوف بسیار و در قلعش مگر عبور افشادن از حدت و مرد خواه رفتن پنج سوار تنگش طول و عرض و عمق چند ق حصار و آگاهی آوردن نزد انگریزان و شکر فرستادن از زبان بیستانه و مقتول و مجروح گشتن ایشان
۵۶۳	حمله بردن انگریزان دفعه ثانیه بر قلعه البرز بنشینان و گشتن با خاطری ایشان
۵۶۶	رسیدن قدری لشکر هو لکره میرخان قریب عسکر انگریزان جنگیدن گشته شدن چپاه توپ زن از انگریز روان شدن پستان و آتش با آذوقه از شهر تهور ابطرف پرتور و آگاه شدن میرخان و استقبال نمودن از هر دو غایت دبست گیدن و مضطر و متزلزل ساختن پستان از جانب اول و بردن دو توپ او
۵۸۱	مخاربه کردن پستان و آتش دفعه ثانیه با میرخان و گریختن میرخان
۵۸۳	روان شدن با یحتاج لشکر از آگره سمت پرتور و مدد فرستادن بجزئی لک و رفتن لشکر پرتور و میرخان و هو لکره با چوبی نندیده

صفحه	بعزم غارت و روانه شدن جرنل لکت بتعاقب دشمنان و مشاهده نمودن فتور در بعضی از لشکریان خود مرصحت گردیدن سپه تپور و بسزای رسانیدن گنجه کاران و باز رفتن بتعاقب خصمان
۵۸۶	صفت جسارت تزلزلت لشکر امرای هندوستان و رسیدن ذخیره پیشکشگر با سایر سامان اگر چه سپه تپور بدون رسیدن آفت و زیان
۵۸۸	میتوان نمودن جرنل لکت اسباب حمل سیتوم در کمال مستی و موقوف ساختن حمل بسبب رفتن میرخان باراد و تحریب مرزد و آب و عزم جرنل بغیر ستادن لشکر با طغای نایر و خناد
۵۹۱	پشیمان شدن راجای سپه تپور از طلب رسیدن میرخان و هو لکر و با پوچی سندید بمجاونت و وقوع نفاق در معاونان و صفت اوضاع لشکر معروف بنده اریه و رفتن میرخان بر روی
۵۹۲	روانه شدن جرنل اسبیت بعقب میرخان و پیوستن کرنل گرو و بر باد و رفتن باستیلاص قلعه کمونا از تصرف دوندیخان و خواندن خان مرزبور میرخان را بید و آمدن میرخان و رفتن با دوندیخان بسبت آنو پشیری و تعاقب نمودن کپستان و شکنیز و کشتن و هزیمت دادن بعضی از مردم دوندیخان را در اشنای راه
۵۹۸	روانه شدن جرنل اسبیت و کرنل گرو و برود و طبع بین راه

صفحه	
	در رسیدن کرنل کروبر به کاشانگانا
۶۰۰	پان جلول معرض رودخانه گشت در آنجا حضورت رسیدن کرنل کروبر در عین عبور با لشکر
۶۰۳	روان شدن کرنل کروبر از گشت رودخانه و رسیدن میرخان بشهر مراد آباد و خراب ساختن بعضی اینیه انگریزیه و گرنختن او بورود کرنل
۶۰۴	پان روان شدن کرنل کروبر از مراد آباد و رسیدن بشهر رامپور
۶۱۰	پان بر حوالی ارشهر رامپور و حکام آنجا و پوستن جنرل ایمیت بکرنل کروبر
۶۱۳	روان شدن جنرل ایمیت و کرنل کروبر از رامپور و رسیدن بشیرگر
۶۱۴	مراجعت کردن جنرل ایمیت و کرنل کروبر از شیرگر و رسیدن به مراد آباد
۶۱۶	روان شدن جنرل ایمیت و کرنل کروبر از مراد آباد و رسیدن بیادلی
۶۱۷	رسیدن جنرل ایمیت بشیروت و آگهی یافتن از میرخان و رفتن بمقابل و آمدن فرقه موسوسه بحالی غول بمجاور و اطهار غلبه اولابرا انگریزان و ثانیاً کشته شدن تمامی ایشان
۶۲۱	مخاربه کردن میرخان با اتفاق برادر خود ستمهان با

صفحه	انگريزان و منهنزم شدن ايشان و تعداد مقتولين و مجروحين
	شکر متخاصمين
۶۲۴	تغاقب نمودن جنرل اسمیت میرخان را در رسیدن بزرگ رو در ام گنگا قریب معسکر میرخان
۶۲۶	فرستادن جنرل اسمت خورد اسکندر را بسمت مرز دو آب و ملاقی شدن او با میرخان و محصور گردیدن بقدر خالق زمین و زمان و منهنزم کردن او بسیرخان را
۶۳۰	آگهی یافتن کپستان اسکندر از محصور بودن برادرش و نامه نوشتن برادر از روی تدبیر بل از راه تزویر و فرستادن بزرگیک میرخان و گرنجین او بمحض اطلاع و استحضار بمضمون نامه
۶۳۲	پوستن کرنل بزن بجنرل اسمیت و هجوم آوردن میرخان بر کپستان مری و رفتن کرنل بزن با ششدها او و گرنجین میرخان و تباراج رفتن اردو بازارش و کشته و نجاتی شدن جمعی از لشکر بایان اردو بازار
۶۳۶	برخی از گذارش حال حرمان مال میرخان و لشکر خسران اشتمال او
۶۳۹	رسیدن جنرل اسمیت قریب قلعه کمانا و پورش خواستن دو ندیمان از حرایم گذشته و پذیرفته شدن و آشکارا شدن مکر و فریب دیکر باره و رفتن لشکر انگریز بعزم اتزان قلعه کشته شدن بعضی انگریزان

۶۴۳	پوستن جنرال لیت بجنرال لکت در پهرت پور و فی الجملہ گزارش تخلی صعوبت سپاہ همراه او در اسفار
۶۴۵	رسیدن لشکر از بندر منسبی سپاری جنرال لکت و آتش افشانی سپاہ بنگالہ بر سور قلعہ پهرت پور و ماندن ایشان پیشان ارشا بد فتح و ظفر مجبور بستن سرکوب و سنگرز نو بار دیگر
۶۴۶	فرستادن جنرال لکت پلہ در ازاجہ خضر خندق مقابل در وازہ محصار و روانہ ساختن لشکر بجهت حملہ آمدن سپاہ قلعہ و مقبول و مجروح کردن جمعی از غساکر انگریز و منہزم شدن ایشان آخر الامر
۶۵۳	روانہ نمودن جنرال لکت لشکر محصور و پیش رفتن بتواستن
۶۵۶	مضطرب ماندن انگریزی سپاہ از سختی و صعوبت راہ در رسیدن گوٹہ بانکاه از سوی بدخواہ و وصول چندی از لشکر بفرادان در دسہرچی از بروز شکست قلعہ
۶۵۹	پرانیدن ایل محصار بجان وصول انگریزی لشکر قریب قلعہ مغتنجہای پرباروت خود را و شکست یافتن انگریز تعداد مقتولین و مجروحین
۶۶۲	رای زدن بران لشکر بجهت مجاہدہ بادشمن خیرہ سر و سکاٹ نمودن جنرال لکت با سپاہ تجریص محاربه و قبول کردن ایشان باتفاق
۶۶۶	روانہ شدن لشکر بجزم شہر در و بارہ بر مہری اختر از برج

صفحه	فتح و فیروزی آواره و افکار گشتن فراوان تن مردان گرامی و خوار شدن پسران جان سسران نامی در شته لغتنت تمام پلتن و مسخر منزیز
۶۷۲	پایداری نمودن انگریزی لشکر در سیمز باره و آواره شدن با جگری از تیغ حرمان پاره پاره و شساره مقتولین و مجروحین سجابه
۶۷۴	پان محذرت مورخ انگریزی در باب شکست انگریزان و فسخ اراده ایشان در مقاتله و انتقال عسکر از معرکه سابق
۶۷۶	هتیا نمودن انگریزان مجدداً آلات حرب بعزم رزم و خوف گشتن رای پرتو پر سبب حصول یاس از معاوانان و منتقل شدن ملک از پد تعترف او به دشمنان و راغب شدن به جتیا
۶۸۱	آمدن خطاب بجهت جنرل لک از انگلند و فرصت طلب مصالحت یافتن رای پرتو پر و نامه نوشتن بجنرل لک
۶۸۳	رفتن جنرل لک بر فوجی از لشکر هو لکر و مقتول نمودن برخی از ایشان و مراجعت با غنیمت به لشکر گاه خویش
۶۸۵	رفتن انگریزان بر سه هو لکر و گرفتن اکثری از لشکرش بی استعمال تیغ و تبر و غارت کردن انگریزان بازار شهران او را
۶۸۸	مضطرب شدن هو لکر بسبب متفرق گشتن لشکر هو لکر و بغارت رفتن اسباب کرد و فرود خجور نمودن از رود چنسل با فاطری مغشوشن محفل



ص ۹۱	مراعات کردن انگریزان بعد از هزیمت بم لکر بطرف پرتو
ص ۹۳	روانه نشستن پستان رایل از آگره بعزم تنجیر قلعه احمد نگر و منحصر شدن نفع و غلغله
ص ۹۶	آمدن برای زاده پرتو زود جبرئیل لک بجهت مصالحه و روانه کردن جبرئیل لک لشکر زیادتی و غیره بشهر آگره
ص ۹۹	پان مصالحت نامه که فیما بین جبرئیل لک و رای پرتو قلی شد

تمام شد فهرست جلد دوم

از کتاب حاجب نامه







A despatch arrives from England appointing General Lake, Lord. The Rājā of Bharatpur writes to Lord Lake for a treaty of peace. . . . .	68
Lord Lake advances against Holkar, and defeats him, and returns to his camp with plunder. . . . .	68
The English again pursue Holkar, and disperse his troops and plunder his camp. . . . .	68
Holkar's army weakened by the desertion of his soldiers and the plunder of his stores, and he proceeds towards Chambal. . . . .	68
On the retreat of Holkar the English troops return to Bharatpur. . . . .	69
Captain Ryal leaves Agra for Amadnagar, and takes its fort. . . . .	69
The Rājā of Bharatpur sends his son to Lord Lake to communicate about a treaty of peace. Some British troops sent by Lord Lake to Agra. . . . .	69
The treaty made between General Lake, and the Rājā of Bharatpur. . . . .	69

- Account of the unexpected misfortunes of Mir Khan and his troops. . . . . 636
- Genl. Smith arrives near the fort of Kamunda and Dhondí Khán makes an apology to the English for his past behaviour. The English again find out Dhondí Khán's prevailing practice of deceit, and send a force against him. . . . . 639
- General Smith meets General Lake at Bharatpur. An account of the fatigue, and other inconveniences, suffered by the British troops. . . . . 643
- A British force proceeds from Bombay in aid of Genl. Lake. The unsuccessful attack made by the English against the Fort of Bharatpur. Another battery built by the English. . . . . 645
- General Lake sends a party of sappers and miners to level a trench opposite the gate of the fort and advances troops towards it, but are defeated and many killed and wounded. . . . . 649
- A second advance made by General Lake, which also proved unsuccessful. . . . . 653
- The British troops disabled by fatigue in making repeated advances. Cannon Balls from the Bharatpur fort reach the English encampment. A few companies of British troops effect their entrance into the fort through a broken wall. . . . . 656
- The Magazines of the fort blown up, and the British repulsed with great loss. A list of the killed and wounded of the British troops. . . . . 659
- A Council of British officers and sirdars held to consider about the probability of taking the fort of Bharatpur. The native troops stimulated by General Lake, to exert their utmost as the last effort. They agree. . . . . 662
- The British Army attacks the fort of Bharatpur and suffers great loss, amongst whom Lieut. Thomas Pultney and Major Menzies were killed. . . . . 666
- The British army makes another attempt and is repulsed with great loss. An account of British soldiers killed and wounded. . . . . 672
- The British troops refuse making more attempts, and the English recruit new men. . . . . 674
- The English issue new armaments, and discipline the recruits for an engagement. The Raja of Bharatpur, in consequence of many of the countries of his allies having been taken by the English, is alarmed, and contemplates concluding peace. . . . . 677

ravages at a place called Doab could not be pursued.	588
The Raja of Bharatpur under consternation in consequence of inviting Mir Khan, Holkar and Bapuji Shindia, as they, instead of aiding him in his enterprise each seek self interest.	591
General Smith goes after Mir Khan, and Col. Grober joins General Smith. They first make their way towards the Fort of Kamunda, to take it from the hands of Dhondi Khan. Dhondi Khan applies to Mir Khan for aid. He joins him. They proceed towards Anopshari and Captain Skinner pursues them, and defeats some of their troops and plunders them.	594
General Smith and Col. Grober proceed to Kamunda.	598
Col. Grober examines the nature of the River of Kamunda, and safely passes all his troops over it.	600
Col. Grober leaves the River Kamunda for Muradabad, Mir Khan also arrives there and plunders some British stores and quits the place.	603
Col. Grober leaves Muradabad, and arrives at Rampur.	607
Account of the City of Rampur and of its Sirdars.	
Genl. Smith joins Col. Grober.	610
Col. Grober and Genl. Smith leave Rampur, and arrive at Shirgar.	612
They quit Shirgar for Muradabad.	614
From Muradabad they proceed to Badli.	616
Col. Smith leaves Badli for Shirut and pursues Mir Khan, but attacked in the way and repulsed by Ali Gor's force, but on a second engagement kill them.	617
Mir Khan and his brother Shah Ahmad Khan fight with the English, and the two former defeated. An account of their men killed and wounded.	621
Genl. Smith pursues Mir Khan to near Ram Gangá.	624
Genl. Smith sends Mr. Skinner (Junior) to Doal, who on being surprized on his way by Mir Khan, attacks and repulses him.	626
Captain Skinner informed that his brother (Mr. Skinner Junior) is surrounded by Mir Khan, writes a fictitious letter to him, but directs its transmission to Mir Khan. Mir Khan on perusing it quits the place with every speed.	630
Col. Burn meets Genl. Smith. Captain Murray attacked by Mir Khan, and Col. Burn joins Captain Murray, and Mir Khan defeated. Wurda Bazar plundered, and the troops killed and wounded.	632

- A Battery raised by the English opposite the Fort of Bharatpur. The enemy put into confusion and vacate it, and the English prepare to advance. . . . . 550
- The English troops divided into three columns, each under the command of a British officer. . . . . 553
- The English troops enter the Fort. . . . . 555
- The excavation of a new trench by the Rájá of Bharatpur in defence of the principal gate, and the unsuccessful assault and retreat of the British troops from that place under Major Hooks and Colonel Kahim. . . . . 557
- Second Battery raised by the English on the opposite side of the Fort and firing commenced. The son of the Killedár wounded, and his brother killed in action. . . . . 560
- General Smith and Esmael Beg join General Lake. The Rájá of Bharatpur distrusting of his success sends for Mír Khán. . . . . 563
- The successive firing of cannon from the Battery prevents the Killedár from advancing, and the English attack them. The English find great difficulty in advancing in consequence of the embarrassed state of the trenches. . . . . 566
- Five engineers sent by the English to examine the state of the trenches, and repulsed by the enemy while on that duty. . . . . 569
- The English attempt another advance, but repulsed. . . . . 573
- Mír Kássam Khán and Holkar attack the English, and kill 50 Bombardiers. . . . . 577
- Captain Walsh attacked on the road while conveying provisions and other stores for the English troops from Mathura to Bharatpur, by Mír Khán, who captures two cannons and plunders the provisions and defeats the English. . . . . 578
- A second attack attempted by Mír Khán against Captain Walsh, but defeated. . . . . 581
- A British force under General Lake proceeds from Agra to Bharatpur. The troops of the Rájá of Bharatpur, of Mír Khán, of Holkar, and of Bapují Shindia plunder many villages, and General Lake pursues them, but perceiving some treachery contemplated by his troops, returns back, and punishes the traitors, and again pursues the enemy. . . . . 583
- The English take advantage of a disorder in the enemy's camp, quit Agra for Bharatpur with provisions and other stores. . . . . 586
- General Lake frustrated in making an advance against the enemy, as Mír Khán, who proceeded to commit



- company Sháh Alám to Allahábád, but Sháh Alám joins the English. . . . . 513
- The English desire Rájá Pani Bahádur to join Sháh Alám for the surrender of Mir Kássam Khán and Sumroo, and to make them over to the English. Mir Kássam Khán, perceiving the intention of the English, flies towards Afghán, and joins the Rohílás. 514
- Wazírul Mumálik goes to the Afgháns, and requests the aid of Aímád Khán Bangash, who promises aid, and afterwards retreats, under some pretext. Malhar-rao Máráthá also requested to aid him, and complies with the request. . . . . 518
- General Carnac sends a force under Major Fletcher to take the Fort of Chanáre. Major Fletcher killed in action, and the English troops repulsed. General Carnac goes with another force against Wazírul Mumálik, and on his way takes the fort of Allahábád. 521
- A Battle fought by Wazírul Mumálik, and Malhar-rao, with General Carnac, and the two former defeated, and Mumálik flies to the protection of Hemudhan Bhundus and the Afghans; they propose the conclusion of a treaty of peace with the English. The Fort of Chanáre to be given to the English. . . . . 525
- The British troops proceed to Lakhnan. The management of Audh and Banáras granted to Shítábray. Rájá Rámsing and some other officers disagree with Wazírul Mumálik. . . . . 529
- Wazírul Mumálik meets the English and makes a reconciliation. . . . . 531
- Nazmat Daulá receives the management of three provinces in Bengal. Colonel Clive arrives in Calcutta with the title of Lord, and vested with full power to manage the affairs of the country. . . . . 533
- An arrangement of treaty takes place between the English, Wazírul Mumálik and Nazmat Daulá. . . . . 534
- A narrative of the treaty between the English, Wazírul Mumálik and Nazmat Daulá. . . . . 536
- Nazmat Daula made tributary of three subàs, and the regular liquidation of Nasaf Khán's pay by Sháh Alám concluded on the English becoming securities for the fulfilment of both arrangements. . . . . 542
- The commencement of hostilities against Bharatpur. 545
- General Lake takes the Fort of Duka, and proceeds to Bharatpur, and on his way meets General Dodswell. The explanation of the fortification, and power of Bharatpur. . . . . 548

Sháh Alám, Mír Kássam Khán, and Wazírul Mumálik proceed to Banáras. . . . .	464
A mutiny breaks out in the English camp, and some men desert and join Wazírul Mumálik. Major Carnac holds a consultation about declaring war against Wazírul Mumálik against which the Council dissent. . . . .	467
Sháh Alám, Mír Kássam Khán, and Wazírul Mumálik advance their troops against the English, and the latter retreat from Baxar to Patna. . . . .	470
The English pursued by Sháh Alám, Mír Kássam Khán, and Wazírul Mumálik to Patna. . . . .	474
A battle between the English and Wazírul Mumálik, and the latter repulsed. . . . .	476
Sháh Alam, Mír Kássam Khán and Wazírul Mumalik quit Patna for Baxar. . . . .	482
Mír Kássam Khán pressed by his troops for arrears of pay, amounting to 11 lakhs of Rupees. He considers about the means to be taken for its discharge. A message sent by Mír Kássam Khán to Wazírul Mumálik for permission to proceed to Murshidábád which is declined with contempt. . . . .	484
Mír Sulemán and Sumroo forsake Mír Kássam Khán and join Wazírul Mumálik. . . . .	487
Mír Kássam Khán and his retinue imprisoned by Wazírul Mumálik. . . . .	489
The death of Mír Jáfar Khán. . . . .	491
Major Munro proceeds from Bombay to Patna to succeed Major Carnac. Disobedience of orders by the British troops of Patna and their intention to join Wazírul Mumálik, and punished by Major Munro. . . . .	493
Major Munro proceeds with an army against Wazírul Mumálik, and arrives near his camp. . . . .	497
A battle, fought between Major Munro and Wazírul Mumálik. The former repulsed in consequence of the latter possessing superiority of force. . . . .	500
An army sent by Major Munro against Rájá Paní Bahádur and the latter repulsed. . . . .	503
Sujá Kulí Khán boasting of the bravery of his soldiers in preference to those of Sumroo &c. proceeds against the English in support of Rájá Paní, but killed in action, and his troops with those of Wazírul Mumálik repulsed. . . . .	506
Wazírul Mumálik retreats to Allahábád. . . . .	508
Mír Kássam Khán released from confinement, but labours under uneasiness of mind. . . . .	511
Wazírul Mumálik desires Rájá Paní Bahádur to ac-	

The English troops and Mír Jáfar Khán arrive at Murshidábád.	424
Mír Kássam Khán enlists recruits at Suti.	425
Engagement between Mír Kássam Khán and the English. The latter repulsed.	428
Re-engagement of the two armies on the next day, and Mír Kássam Khán defeated.	430
Mír Kássam Khán sends his family and wealth to Rohtás and blockades the road to Wudhawá.	432
Mír Kássam Khán quits Mungír with his troops, and orders all the native prisoners to be executed, leaving the English still in confinement, and arrives at Champanagar, where he collects all his troops, and meets Najaf Khán Bahádur.	435
The English troops arrive near Wudhawa but prevented from proceeding any further in consequence of the roads being blockaded by Mír Kássam's troops.	440
Najaf Khán proceeds to Wudhawa and discovers tank and surprizes the English troops by advancing on them unperceived from several positions. The situation of the tank made known by a sepoy to the English.	442
The English make an assault at night on Mír Kássam Khán, and defeat him. He retreats to Mungír by the way of Champanagar.	445
Mír Kássam Khán from Mungír proceeds to Patana, and carries all the English prisoners with him and kills two shroffs on the road.	448
The English take Mungír and the news reach to Mír Kássam Khán who puts all the English prisoners to death, sparing Dr. Fullerton, who afterwards makes his escape.	452
The news of the advance of the English to Patna reaches Mír Kássam Khán; and he changes his position to another direction. The English arrive at Patna, and attempt an engagement, and are repulsed, but get the victory on the next day. Mír Kássam Khán retreats to Wajir Vazerul Mumalík's country.	454
A consultation held by Mír Kássam Khán with respect to meeting Vazerul Mumalik, and opposed by Najaf Khán, but his intention remains unchanged.	458
Mír Kássam Khán proceeds to Allahabad and Vazerul Mumalik receives and carries him before Sha Allum. A secret interview takes place between Mír Kássam Khán and Vazerul Mumalik.	462
Mír Kássam Khán proceeds to Bandelkand and finds the country in alarm and confusion; and he puts it into better order and returns back to Allahabad	

- rival war is determined and Mir Kássam Khán joins Sháh Alám. 375
- The English transport military stores to Patna by Sea; and a boat arrives at Mungír, and Mir Kássam Khán prohibits its sailing further up. Messrs. Amit and Hay arrive at Mungír and have some intercourse with Mir Kássam Khán. 378
- The English get the news of the detention of the boat at Mungír, and Messrs. Amit and Hay recalled. Their answer on the recall. 381
- Mr. Ellis obtains permission from the Council of Calcutta to take Patna. 383
- Mr. Amit permitted by Mir Kássam Khán to return to Calcutta, and Mr. Hay to remain in Patna. Mr. Ellis takes Patna. 386
- Mir Kássam Khán's troops arrive in Patna from Mungír; and the Kiledár of Patna joins the Mungír troops. Patna retaken by Mir Kássam Khán, the English retreat to their residency. 390
- The Sirdárs of Mir Kássam Khán instructed to imprison all the English, and Mr. Amit overtaken on his way to Calcutta, and killed with other Englishmen then imprisoned. 392
- Mr. Ellis and some other Englishmen apprehended, and imprisoned by Mir Kássam Khán. 394
- The news of the execution of Mr. Amit, and other Englishmen, and the apprehension of Mr. Ellis and others reached Calcutta. Mr. Vansittart writes a letter of contempt to Saed Muhammad Khán, and declares hostilities against Mir Kássam Khán. Mir Jáfár Khán again reinstated as Nazam by the English. 396
- Mir Jáfár Khán being reinstated as Nazam, a new treaty is executed with him by the English. 400
- A similar treaty executed by the English with Mir Jáfár Khán. 402
- Mir Jáfár Khán under expectation of some promise made by the English. 407
- Major Adam proceeds against Mir Kássam Khán, and Mir Jáfár Khán joins Major Adams. 413
- Mir Kássam Khán apprized of the expected arrival of the British troops against him, sends three of his best Sirdárs with a strong army to oppose them. Two of the Sirdárs make a successful advance on the first attack, but repulsed on the second day. 416
- Muhammad Takí Khán makes an attempt against the English, and is repulsed. Saed Mahammad Khán makes his escape from Murshidábád. 420

of Mr Ellis's behaviour towards the Kiledár of Mun- gír and Mr. Vausittart settles the dispute. . . . .	239
The Revenues of Bengal in a depressed state, in conse- quence of the former Názam having exempted the British subjects from taxation. The British claim of the exemption of import and export duties refused by the present Názam. . . . .	341
The English disregard the authority of the collectors of revenues, and import and export goods. . . . .	343
Mír Kássam Khán makes a representation to Mr. Van- sittart, complaining of the conduct of the English towards the people of Bengal and the disobedience of his orders. Mr. Hastings also writes to Mr. Van- sittart on the same subject. . . . .	344
Mr. Vansittart issues instructions to the English sub- jects to prevent impositions being made, and to secure the payment of the customary revenues of the country. . . . .	348
The disobedience of Mír Kássam Khán's order carried on to great extent, on which account Mír Kássam Khán is exasperated against the English. . . . .	350
Mr. Vansittart and Mr. Hastings meet Mír Kássam Khán to propose an arrangement on duties to be made between the English, and the Indian States. . . . .	354
An arrangement proposed and accepted by Mír Kássam Khán wherein it is stipulated that the English should pay 9 per cent on the valuation of their goods only in one port or place, and pass free in others. . . . .	357
Mír Kássam Khán issues instructions to his officers to collect the duties according to the new arrangement but some British residents disagree with Mr. Vansit- tart and Mr. Hastings. Determination of hostili- ties under contemplation. . . . .	361
The British propose to pay to Mír Kássam Khán 2½ per cent, on salt, on condition of abrogating the powers of the Sirdars, disputes arise between the English subjects and the Indian rayats to be decided by the English. . . . .	366
Mír Kássam Khán declares war with the Nepál State, and marches his army accordingly, but is repulsed and retreats. . . . .	368
Some of the Sirdars of Mír Kássam Khán imprisoned by the English. He writes on the subject to the Bri- tish authorities, and proposes to exempt them from all duties. . . . .	371
Messrs. Amit and Hay deputed by the English, with instructions to meet Mír Kássam Khán. On their ar-	

- Major Carnac proceeds against Sháh Alám, and defeats him. . . . . 300
- On the defeat of Sháh Alám, Monsieur Law surrenders himself to the English. . . . . 304
- Shítabray sent as envoy by Major Carnac to Sháh Alám with a letter for peace, but returns unsuccessful. . . . . 308
- Sháh Alám afterwards sends for Shítabray and proposes the acceptance of peace. Major Carnac meets Sháh Alám and conveys him to Patna. . . . . 311
- Mír Kassam Khán arrives in Patna previous to Sháh Alám's arrival, and declines having intercourse with him. Major Carnac and Sháh Alám arrive in Patna. . . . . 314
- Mír Kassam Khán meets Sháh Alám who gives him a Khilat and confirms his appointment as Názám of Bengal, Behar, and Orissa. . . . . 316
- Sháh Alám called by Wazir-ul-Mumalik, who proceeds from Patna by way of Delhi to meet him. . . . . 317
- Mír Kassam Khán's successful management. Rájá Rám Náráyan's intrigues with Mír Kassam Khán and other Sirdars . . . . . 320
- Mr. Vansittart considers a reconciliation between Rájá Rám Náráyan and Mír Kassam Khán necessary, Rájá Rám Náráyan persuaded to do so by Col. Coote and Major Carnac. . . . . 323
- Mír Kassam Khán writes to Mr. Vansittart, requesting him to call on Rám Náráyan for all the accounts of the State, and Mr. Vansittart orders the same. . . . . 325
- Rájá Rám Náráyan pressed by Mír Kassam Khán for the accounts of the State, and imprisoned. His sufferings in confinement. . . . . 328
- The Sirdars of Bengal disobey the orders of Mír Kassam Khán who suspends them from performing their functions. Mír Kassam Khán induced to declare hostilities against the English. . . . . 330
- The English write home partly misrepresenting the affairs of India; but the authorities acknowledge the despatch in an unexpected manner, and appoint Mr. Ellis as Resident of Patna. Mr. Ellis disagrees with the Sirdars of Mír Kassam Khán. . . . . 333
- Mr. Ellis apprehends one of the Sirdars of Mír Kassam Khán, and sends him to Calcuta. . . . . 335
- The Kiledár of Mungir imprisons two English subjects, and Mr. Ellis sends troops against him to release them. . . . . 337
- Mír Kassam Khán writes to Mr. Vansittart complaining

The intrigues of Khàdim Hassan Khàn against Mír Jàfar Khàn revealed, and the former joins Sháh Alam. Monsieur Law, and Sháh Alam repulsed, while surrounding the Fort of Patna. . . . .	252
Captain Nicks proceeds from Murshadábád to Patna.	255
Captain Nicks advances against Shah Alam, and he retreats to Takarí. . . . .	257
Khàdim Hassan Khan halts at the River Gangá, near Patna. Captain Colliand writes to Captain Nicks	259
The narrative of the bravery of Rájá Rám Náráyan's troops. Captain Nicks and Shítabráy proceed against Khàdim Hassan Khàn. . . . .	262
Preparations made by Captain Nicks and Shítabráy to attack Khàdim Hassan khàn at night, but they meet with disappointment, and return back in consequence of the guide missing the route. . . . .	264
Khàdim Hassan Khàn attacked, and defeated by Captain Nicks and Shítabráy. . . . .	266
Col. Colliand and Miran arrive in Patna. They pursue Khàdim Hassan Khàn and Rájá Rám Náráyan, and experience obstruction and fatigue by heavy fall of rains. . . . .	271
Col. Colliand and Miran again pursue Khàdim Hassan Khàn. Miran killed by lightning, and Col. Colliand returns to Patna. . . . .	273
Mír Jàfar Khàn pressed by his troops for arrears of pay, and Mír Kássam Khan makes an arrangement with them. . . . .	278
Col. Clive on leaving Calcutta for Europe appoints Mr. Holwel to act for him until the arrival of Mr. Vansittart from Madras.—A consultation held by Mr. Holwel about disowning Mír Jafar Khan, and appointing Mír Kassam Khàn. . . . .	282
Mr. Vansittart arrives in Bengal as Governor. His concurrence in the nomination of Mír Kassam Khàn to succeed Mír Jàfar Khàn. . . . .	285
The conclusion of a treaty between the English, and Mír Kàsam Khàn, on the latter's appointment as Názam of Bengal. . . . .	288
Mr. Vansittart proceeds to Murshadábád, and desires Mír Jàfar Khàn to abdicate the Názamship, now bestowed on Mír Kàsam, but he declines compliance. . . . .	292
The English renounce Mír Jàfar Khàn. . . . .	295
Mír Kassam Khàn appointed as Názam of Behar, Bengal and Orissa, and discharges the arrears of pay due to the troops. A certain sum of money received by the English. . . . .	298

<b>Mír Jáfár Khán orders armies from Bengal and Murshádábád to invade Patna, where they find Rájá Rám Náráyan in close action with Alí Gohar. The armies join Rájá Rám Náráyan against Alí Gohar.</b>	209
<b>The Fort of Patna surrounded by Alí Gohar, but a part of it is demolished by Rájá Rám Náráyan.</b>	212
<b>Raja Ram Narayan surprized by the appearance of a strong force sent by Alí Gohar. Mahammad Kalí Khán thrown into consternation by the expected arrival of Miran. The taking of the Fort of Allahbád by Wazír Wazir-al-Mumalik, and his confinement and death at that place.</b>	214
<b>Miran and Col. Clive arrive at Patna, and place the country in a state of tranquillity.</b>	217
<b>Col. Clive announces his departure for Europe, and Mr. Jáfár Khán grants him a Jágir, and honorary title.</b>	219
<b>The Zamindárs of Bengal headed by Khadím Hassan Khán mutually concert to aid Alí Gohar. Mír Jáfár Khán sends armies from Murshadabad and Calcutta against Khadím Hassan Khán.</b>	223
<b>The death of Alamgir Saní, the Emperor of Delhi and the accession of Alí Gohar to the throne of Patna, with the title of Shah Alam.</b>	225
<b>Khadím Hassan Khán instructed by Col. Colliand to obey the mandates of Mír Jáfár Khán, and the former's answer on the subject.</b>	229
<b>A battle fought between Rájá Rám Náráyan and Shah Alam, the latter on being wounded requests aid from Captain Cockran.</b>	231
<b>Captain Cockran and some British officers killed, and Rájá Rám Náráyan and Doctor Fullerton absconded. A fictitious message of submission sent by Rájá Ram Náráyan to Sháh Alam.</b>	234
<b>Col. Colliand and Miran arrive in Patna with armies, and a battle fought between Sháh Alam and Miran. The latter repulsed and retreats.</b>	239
<b>Miran recalled by Col. Colliand. Another engagement takes place, and Sháh Alam defeated.</b>	242
<b>Sháh Alam, proceeds to take the Fort of Murshadábád, but is pursued by Col. Colliand and Miran.</b>	244
<b>The movement of Sháh Alam towards Murshadabad known to Mír Jafar Khán. Col. Colliand and Miran requested by Mír Jáfár Khán to join him, and Sháh Alam defeated by them.</b>	247
<b>Sháh Alam proceeds towards Patna, aided by Monsieur Law. The tranquillity of the country disturbed by the news of their expected arrival.</b>	249



- Nand Kumár advises Mír Jafar Khán and Mirán to delay the payment of the promised amount of the loss sustained by the English in the late war of Calcutta. 181
- Mír Jafar Khán quits Murshadábád, and Mirán attacks Duláb Rám (then treasurer) to discharge the arrears due to the troops. 181
- Kázi Abdul Hádi privately consults the Sirdárs about killing Mír Jáfur Khán, in order to effect the discharge of arrears of pay due to the troops. The Sirdárs concur in the proposition. The secret revealed and Kázi Abdul Hádi ordered before Mír Jáfur Khán, and desired to leave his dominions. He is killed on the road by Mír Jafar's messenger. 184
- The History of Ali Gohar the son of Alangír Sání as connected with the affairs of Bengal. 186
- A general opinion prevalent of the mal-administration of Mír Jáfur Khán. Mahammad Kulí Khán takes the matter into consideration, and consults with two other Subedárs about subduing Bengal. 188
- Wazir-ul-Mumálik also consulted on the same subject by Muhammad Kulí Khán, and the former's feigned concurrence. 191
- Wazir-ul-Mumálik and Muhammad Kullí Khán agree to confirm Ali Gohar (then at Midnapur) as their Názan, who was accordingly invited to meet them. Muhammad Kulí Khán and Ali Gohar proceed to Karam Násh. 193
- Mír Jáfur Khán in consequence of the entrance of Ali Gohar into the districts of Bahar, labours under apprehension and connects himself with the English. 196
- Mír Jáfur Khan's application for aid from the English not complied with, in consequence of the deficiency of troops at the time. Ali Gohar attacks Bengal, but his projects are frustrated for want of disciplined Soldiers. 199
- Rájá Rám Náráyan, observing the disorderly state of the country, consults Mr. Amit (the Resident of Patna) as to the management of his personal affairs, and follows his instructions. Rájá Rám Náráyan applies to Mír Jafar Khán for aid, but intends to join in the confederacy with Ali Gohar. 201
- Rájá Rám Náráyan meets Ali Gohar to treat on the subject, but returns unsuccessful. 204
- Ali Gohar applies for aid from Col. Clive against Mír Jáfur Khán. Col. Clive declines the application. Ali Gohar proceeds without any aid against Mír Jáfur Khán. 207

them. Rájá Rámsing brings the case to Col. Clive's notice.	145
Mir Jáfár Khán proceeds to Rájmahal by the way of Murshadábád, and orders an army under Khwájah Hadí against Rájá Rámsing.	148
Miran requests permission to quit Murshadábád under pretext of visiting his father, and Col. Clive, which on account of the disturbed state of the country is declined.	150
An army sent under Khádím Hassan Khán against Rájá Ajalsing and Hazir Alí Khán. The two latter defeated, and the former takes possession of Purina.	152
Ratunbán Bráhmañ appoints a certain day, and meets Khádím Hassan Khán to discuss some subjects;	155
Animosity between Mir Jáfár Khán & Dulab Rám.	157
The widow of Nawáb Mahábat Jang (grand-mother of Seráj-ud-Daulah) complains to Wazir-ul-Mumálík and Rájá Rám Nárayán of the treachery evinced towards Seráj-ud-Daulah by Mir Jáfár Khán. Mir Jáfár Khán dreading the consequences of the communication, informs Col. Clive, who removes his apprehensions. Mirza Mahadí the brother of Seráj-ud-Daulah killed by Miran.	158
Col. Clive arrives at Rájmahal, and settles the differences existing between Mir Jáfár Khán and Dulab Rám, and writes to Rájá Rám Nárayán to obey the commands of Mir Jáfár Khán.	162
Mir Jáfár Khán and Col. Clive arrive at Patna. Their reception by Rájá Rám Nárayán. Animosity prevails between Mir Jáfár Khán and Rájá Rám Nárayán. A request is made by the former to Col. Clive, to disown the latter as a Sirdár, but Col. Clive disapproves.	164
The compiler of this work here begs to be excused for any omission to be found hereafter, as no authentic information could be obtained, but what was collected from Oriental Works.	168
Col. Clive's arrival in Calcutta from Murshadábád, and the arrival of a Vessel from England with dispatches.	170
Disobedience of order, by Mir Jáfár Khán's troops, on account of their pay falling in arrears.	172
Mir Jáfár Khán's suspicions as to the fidelity of the English, and his intention to renounce them.	173
The History of Nand Kumár who was raised to power by Dulab Rám, and subsequently abused his favours.	175
Nand Kumár's misrepresentations to Dulab Rám. Hatred prevails in Mir Jáfár Khán's mind.	178

Seráj-ud-Daulah retreats to Murshadábád, and orders his family and wealth to be removed. . . . .	115
A return of the British force killed in the action. Mír Jáfár Khán meets Col. Clive and again returns to Murshadábád, where he seizes Seráj-ud-Daulah's family, and the wealth in their possession. . . . .	117
The Nazamship of Bengal, Bahar and Orissa bestowed by Col. Clive on Mír Jáfár Khán. . . . .	121
Col. Clive claims the amount of losses sustained by the late War of Calcutta. Mír Jáfár Khán concludes a loan with Jagat Shet an oppulent Merchant of Calcutta. Umichand claims equal privilege as those granted to Mír Jáfár Khán. Col. Clive refuses them and Umichand becomes deranged by the refusal. . . . .	123
Seráj-ud-Daulah seized by his own followers, and made over to Mír Jáfár Khán. . . . .	126
Mír Jáfár Khán holds a consultation regarding the person of Seráj-ud-Daulah. His death resolved on, particularly by Miran (Mír Jáfár's Son.) He is accordingly put to death. . . . .	129
Col. Clive sends Major Coote against Monsieur Law the supporter of Seráj-ud-Daulah. Monsieur Law on hearing of the death of Seráj-ud-Daulah makes his retreat. Major Coote proceeds to Patna to inform Raja Rám Náráyan of the death of Seráj-ud-Daulah. . . . .	133
Major Coote consults Muhammad Kásim Khán and Muhammad Amir Khán on the sincerity of Rajárám Náráyan. They entertain an unfavorable opinion of his behaviour. Major Coote, at the instigation of Mír Jáfár Khán writes to Wazir-ul-Mumálík to fortify the fort of Patna with additional force. Major Coote's intention to visit the Courts of different Sirdars to ascertain their feelings towards Mír Jáfár Khán. . . . .	136
Major Coote arrives at Chapra. . . . .	139
Rájá Rám Náráyan corresponds with Major Coote regarding some misrepresentations made by certain Sirdars against him. Major Coote binds Muhammad Kásim Khán and Muhammad Mír Khán to preserve friendship with Rájá Rám Náráyan. . . . .	142
Admiral Watson's death, and the establishment of a Mint in Calcutta. . . . .	144
Dulab Rám represents, the misbehaviour of Rájá Ajálsing and Rájá Rámsing to Mír Jáfár Khán, who summons Rájá Rámsing, but he sends his Brother and Nephew in his stead. Mír Jáfár Khán confines	

# CONTENTS.

## VOLUME II.

In praise of Divine Providence.	
In praise of the Prophets.	
Reflections on the composition of this work.	7 &
History of Ali Vardí Khán, the Názam of Bengal. The accession of Seráj-ud-Daulah to the throne and the commencement of his misfortunes.	1
Seráj-ud-Daulah writes to Mr. Drake (the Governor of Calcutta) to apprehend and transmit his (Seráj-ud-Daulah's) minister Raja Keshan Balab. The Governor returns no answer.	1
Mr. Drake corresponds with Mr. Watts (the resident at Kásma Bázár) on the subject of Seráj-ud-Daulah's letter, regarding the apprehension and transmission of the Minister, and Mr. Watts returns an answer to Seráj-ud-Daulah.	1
Seráj-ud-Daulah declares hostilities against Mr. Drake, in consequence of his carrying on some alterations, and repairs in the Fort of Calcutta.	1
Mr. Drake acknowledges the communication, but Seráj-ud-Daulah disregarding the satisfactory answer, prepares his army, and marches against the Fort of Kásma Bázár.	10
Seráj-ud-Daulah arrives with his army by the route of Maksudábád and takes the Fort of Kásma Bázár.	20
After the capture of Kásma Bázár, Seráj-ud-Daulah proceeds with his army to Calcutta where he finds the British Army under the immediate direction of Mr. Drake in readiness for defence.	24
Engagement of the two Armies. The English repulsed but still hold the Fort of Calcutta.	26